



Scientific Journal Quarterly of Middle East Studies

Vol 31. No 3. Autumn 2024

Received date: 2024.09.08

Acceptance date: 2025.02.08



مرکز پژوهش‌های علمی و
مطالعات استراتژیک خاورمیانه

Home page: www.cmess.sinaweb.net

DOR: 20.1001.1.15601986.1403.31.3.10.4

The impact of the 2030 vision economic reforms on political freedom in Saudi Arabia

Zahra Akbari¹, Ali Sabbaghian²



Abstract

To diversify the oil-based economy, Saudi Arabia launched the 2030 Vision, in which plans are presented to transform all sectors of the country, including the economy. The main question now is what impact the economic reforms implemented under Vision 2030 have had on political freedoms in Saudi Arabia. To answer the question, by using the conceptual framework of the democratic transition, rentier state, and authoritarian bargain, and by adopting the descriptive-analytical method, the main drivers of the Saudi government's tendency to announce such a program have been examined, and the impact of the Vision on political and social freedoms have been discussed. In short, it can be said that however, to implement the Vision, the Saudi Kingdom is committed to transparency, accountability, and greater participation of citizens and opening up more economic and social spaces, considering the Saudi government sticking to the concentration of power in the hands of the (certain) elites, obviously the goals of the 2030 vision are not to create a dramatic change in the socio-civil status, democracy, or even the livelihood of the Saudi people, but to consolidate the monopoly of power and legitimize the royal family. In general, Bin Salman's economic reforms have increased the concentration of power in the hands of Al-Saud. Still, it can bring unwanted social changes that threaten the stability of the Al-Saud government in the long run.

Keywords: Economic Reform, Saudi Vision 2030, Political Freedom.

1 - PhD candidate of Regional Studies, Faculty of Law and political Science, University of Tehran, Tehran, Iran.

2 - Assistant professor of the department of regional studies, Faculty of Law and political Science, University of Tehran, Tehran, Iran.



مرکز پژوهش‌های علمی و
مطالعات استراتژیک خاورمیانه

فصلنامه علمی مطالعات خاورمیانه

سال ۳۱، شماره ۳، پیاپی (۱۱۷)، پاییز ۱۴۰۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۶/۱۸

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۱/۲۰

Home page: www.cmess.sinaweb.net

DOR: ۲۰.۱۰۰۱.۱.۱۵۶۰۱۹۸۶.۱۴۰۳.۳۱.۳.۱۰.۴

نوع مقاله: پژوهشی

تأثیر اصلاحات اقتصادی چشم‌انداز ۲۰۳۰ بر آزادی سیاسی در عربستان

زهرا اکبری^۱، علی صباغیان^۲



چکیده

عربستان سعودی برای فاصله گرفتن از اقتصاد نفتی اقدام به تدوین چشم‌انداز ۲۰۳۰ نمود که در آن برنامه‌هایی برای ایجاد تحول در همه بخش‌های کشور از جمله اقتصاد ارائه شده است. اکنون پرسش اصلی این است که اصلاحات اقتصادی که در قالب چشم‌انداز ۲۰۳۰ انجام می‌شود، چه تأثیری بر آزادی‌های سیاسی در عربستان گذاشته است. برای پاسخ به سوال فوق، با استفاده از چارچوب مفهومی گذار دموکراتیک، دولت رانتیر و معامله اقتدارگرا و با اتخاذ روش کیفی با رویکرد توصیفی-تحلیلی، محرکه‌های اصلی گرایش دولت سعودی به تدوین چنین سندی مورد بررسی قرار گرفته و سپس تأثیر چشم‌انداز مذکور را بر آزادی‌های سیاسی و اجتماعی مورد بحث قرار می‌دهیم. به طور خلاصه می‌توان گفت هرچند در راستای تحقق این چشم‌انداز، دولت متعهد به شفافیت، پاسخگویی و مشارکت بیشتر شهروندان و باز کردن فضاهای اقتصادی و اجتماعی بیشتری شده، اما با توجه به اینکه حکومت سعودی همچنان با مشی اقتدارگرایانه به تمرکز قدرت در دست نخبگان مورد نظر خود و سرکوب شدید مخالفان ادامه داده، مشخص است که اهداف چشم‌انداز ۲۰۳۰، در واقع نه برای ایجاد تغییری شگرف در وضعیت اجتماعی-مدنی، دموکراسی و نه حتی معیشت مردم این کشور، بلکه برای تحکیم انحصار قدرت و مشروعیت بخشی به خاندان پادشاهی (اما به شکلی متفاوت) تدوین شده‌اند. در مجموع، اصلاحات اقتصادی بن‌سلمانی، موجب افزایش تمرکز قدرت در دست آل‌سعود شده، لکن می‌تواند تغییرات اجتماعی ناخواسته‌ای را به همراه بیاورد که در درازمدت تهدیدی برای ثبات حکومت آل‌سعود باشد.

واژگان کلیدی: اصلاحات اقتصادی، چشم‌انداز ۲۰۳۰، عربستان، آزادی سیاسی.

۱ - دانشجوی دکتری مطالعات منطقه‌ای، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

zazahraakbari@gmail.com

۲ - (نویسنده مسئول) استادیار گروه مطالعات منطقه‌ای، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

sabbaghian@ut.ac.ir

مقدمه

کشورهای شورای همکاری خلیج فارس و به‌ویژه عربستان سعودی به دلیل برخی ویژگی‌های اصلی مانند وابستگی زیاد به درآمدهای ناشی از منابع طبیعی ناپایدار و مخارج بالای دولت نسبت به شهروندان به اشکال مختلف، همواره تجربه فشارهای مالی را داشته‌اند. به منظور رسیدگی به این چالش‌ها، عربستان سعودی از دهه ۱۹۷۰ چندین طرح توسعه اقتصادی را اجرا کرده، اگرچه این برنامه‌ها به بسیاری از اهداف حیاتی که در متون آنها توضیح داده شده است، دست نیافته‌اند. دولت‌های عربی خلیج فارس، به‌ویژه عربستان سعودی، از سال ۲۰۱۴ به دنبال راه‌هایی برای کاهش اثرات منفی کسری‌های مالی عمدتاً ناشی از کاهش قیمت نفت بوده‌اند. اما این اصلاحات در عربستان جنبه‌های ویژه‌ای دارد، چرا که ساختار اجتماعی-اقتصادی پیچیده عربستان، اصلاحات ساختاری را می‌طلبد. از سویی مفهوم دولت رانتیر که برای کشوری مانند عربستان به خوبی توصیف‌کننده وضعیت اقتصادی و رابطه دولت با ملت است بر این پیچیدگی می‌افزاید.

در سال ۲۰۱۶، پادشاهی عربستان سعودی چشم‌انداز سعودی ۲۰۳۰ را منتشر کرد که هدف آن ایجاد تغییرات اقتصادی ساختاری از طریق کاهش وابستگی به نفت، تنوع بخشیدن به اقتصاد و توانمندسازی بخش خصوصی است. در راستای این چشم‌انداز، دولت متعهد شد که به شفافیت، پاسخگویی و مشارکت بیشتر شهروندان دست یابد و فضاهای اقتصادی و اجتماعی بیشتری را باز کند. پس از آن تعدادی اصلاحات اقتصادی و اجتماعی انجام شد که حوزه عمومی را تا حدودی آزاد کرد و به زنان چندین حقوق اعطا کرد. در عین حال، عربستان سعودی گرفتار مصیبت‌های سیاسی متعددی شده که مهم‌ترین آنها مربوط به جنگ‌های قدرت در خاندان سلطنتی، رویکرد رژیم به مخالفان و اصلاح‌طلبان، و افزایش مخالفان در داخل و خارج از کشور است.

با توجه به مسائل مذکور، این مقاله به تاثیر چشم‌انداز ۲۰۳۰ و برنامه‌های اقتصادی و اجتماعی ارائه شده در آن بر وضعیت آزادی‌ها و کنشگری سیاسی شهروندان پرداخته و این سوال را پاسخ می‌دهد که تاکید سند چشم‌انداز ۲۰۳۰ سعودی بر مشارکت بیشتر شهروندان در امور اقتصادی و اجتماعی کشور، به‌ویژه در زمینه فعالیت بخش خصوصی، چه تاثیری بر آزادی/عدم آزادی سیاسی شهروندان گذاشته است و آیا می‌توان کنش اجتماعی-سیاسی خاصی را از شهروندان، متأثر از تحولات اقتصادی، انتظار داشت؟ در این مقاله از رویکرد پژوهشی توصیفی-تحلیلی و از منابع و اسناد کتابخانه‌ای موجود بهره گرفته شده است.

پیشینه پژوهش

در زمینه اصلاحات اقتصادی-سیاسی عربستان مقالاتی نگاشته شده است. اختیاری امیری و دهرویه (۱۳۹۷) در مقاله‌ای به طرح توسعه سیاسی-اقتصادی عربستان در چشم‌انداز ۲۰۳۰ پرداخته و اصلاحات اقتصادی را در نظام سیاسی غیر دموکراتیک تشریح و تبیین کرده‌اند. قنبرلو (۱۳۹۶) در پی پاسخ به این سوال است که با توجه به روندهای جاری در عربستان، چه تغییراتی در توسعه اقتصادی و ثبات سیاسی قابل انتظار است. او معتقد است هر چند ضرورت گذار به اقتصاد مستقل از نفت و متنوع توسط دولت این کشور احساس شده، اما با وجود تحولاتی که در سال‌های اخیر برای فعال کردن بخش خصوصی و فاصله گرفتن از اقتصاد رانتی رخ داده، روندها حاکی از آن هستند که این تغییرات محدود هنوز نتوانسته به اقتصادی پویا و مولد برسد. از سویی نیز ثبات حاکمیت در گرو بهره‌مندی آل سعود از امتیاز نفت است و حتی اصلاحات انجام شده نیز در راستای تمرکز بیشتر قدرت و ثروت در دستان خاندان حاکم بوده است. برزگر و همکاران (۱۴۰۰) با بهره‌گیری از مدل برنارد کریک چالش‌های توسعه سیاسی در دوران بن‌سلمان را بررسی کرده و مهم‌ترین چالش‌ها را تغییرات گسترده ایدئولوژیکی بن‌سلمان در قبال مسئله فلسطین، ناکامی وی در شکل دادن به گروه نخبه جدید و مستقل، عدم موفقیت در تحقق سند ۲۰۳۰ و ادامه سیاست‌های مبتنی بر تهدید و ترور دانسته است. خوبی‌نژاد و همکاران (۱۴۰۱) آینده ثبات سیاسی عربستان را از منظر شاخص‌های حکمرانی مطلوب بررسی کرده و شرط تحقق آن را محدود نمودن اصلاحات به امور اقتصادی دانسته‌اند. مسعودنیا و شیخ‌محمودی (۱۴۰۲) نیز اقتصاد متکی به نفت عربستان را که ثبات سیاسی آن با تکیه بر درآمد نفتی بوده قابل تداوم ندانسته و اصلاح آن را امری ضروری تلقی می‌کنند. از سویی نیز در عصر ارتباطات، طبقه متوسط خواهان ایفای نقش بیشتر سیاسی خواهد بود و اصلاحات اقتصادی نیز بدون ایجاد فضای باز دموکراتیک محقق نخواهد شد. از همین رو اگر سیاستمداران سعودی به اصلاحات حقیقی اقتصادی و سیاسی روی نیاورند (کاری که تا کنون نکرده‌اند) قادر به حفظ ثبات سیاسی داخلی نخواهند بود.

به عقیده وینارنی و پرمانا (۲۰۲۲)، بن‌سلمان دریافت که اقتصاد عربستان دیگر نمی‌تواند بر ستون نفت استوار باشد و نیازمند دگرگونی در منابع درآمدی از جمله جذب سرمایه‌گذاری خارجی است. این مسیر نیازمند بروز تغییرات و اصلاحاتی در داخل جامعه از جمله مسئله حقوق بشر و دموکراسی می‌باشد. اما نویسندگان معتقد هستند جامعه و حکومت عربستان همچنان محافظه‌کار است و هنوز ری‌برندینگ و تغییر هویت در سطح بین‌الملل برای این کشور رخ نداده است. اثر البنا (۲۰۲۳) بیش از

سایر پژوهش‌ها به موضوع مقاله پیش رو نزدیک است. او به بررسی رابطه میان اصلاحات اقتصادی و آزادی‌های سیاسی با توجه به چشم‌انداز ۲۰۳۰ می‌پردازد. اما وجه تمایز پژوهش پیش رو با مقاله البنا این است که او به اهداف اجرای این چشم‌انداز پرداخته و دلایل عدم افزایش آزادی‌های سیاسی در دوران اجرای ۲۰۳۰ را مورد بررسی قرار نمی‌دهد؛ در حالی که این پژوهش به تاثیراتی که برنامه‌های اصلاحات اقتصادی بر وضعیت دموکراسی گذاشته می‌پردازد و با استفاده از چارچوب مفهومی جامعه‌شناختی گیدنز، علت عدم توفیق رفرم‌های اقتصادی در ایفای نقشی در ارتقاء دموکراسی را تشریح می‌کند.

چارچوب مفهومی

برای بررسی رابطه میان اصلاحات اقتصادی و آزادی‌های سیاسی یا به عبارت دیگر دموکراسی‌سازی، از مفاهیم گذار دموکراتیک، دولت رانتیر و معامله استبدادی استفاده می‌کنیم. گذار یا انتقال دموکراتیک^۱ به گذار از یک نظام سیاسی غیر دموکراتیک به نظامی دموکراتیک اشاره دارد. رویکردهای متفاوتی در تبیین چرایی و چگونگی گذار و تحول دموکراتیک مطرح شده‌اند. برخی از آنها بر اهمیت نقش ساختار تاکید می‌کنند و نقش بسترهای اجتماعی، دولت، ساخت فرهنگی کشور و ویژگی‌های نهادینه شده در جامعه عوامل موثر قطعی بر تعیین رفتار عاملان انسانی تلقی می‌شوند. رویکرد دیگر، بر نقش نخبگان سیاسی و کنشگران مدنی تمرکز داشته و باور بر آن است که تحولات، بدون نقش‌آفرینی و فداکاری کنشگران مدنی و نیروهای اجتماعی نمی‌تواند به تحولات دموکراتیک منجر شود (سردارنیا و انصاری، ۱۳۹۵: ۵۹-۶۲).

اما رویکرد سوم نه ساختار و نه کارگزار را عامل اصلی معرفی نکرده، بلکه بر دوسویگی و تعامل متقابل ساختار و کارگزار تاکید می‌کند. آنتونی گیدنز در نظریه ساختمندی خود، ویژگی‌های ساختاری نظام‌های اجتماعی را هم به‌عنوان ابزار تاثیرگذاری و بستر وقوع کنش (به‌عنوان فاعل یا عامل) و هم نتیجه کنش بازیگران و کارگزاران (به مثابه مفعول یا معمول) می‌داند. در این راستا می‌توان گفت که دموکراسی و تحولات دموکراتیک، آمیزه و محصول چند متغیر است که عبارت هستند از: ۱) اراده سیاسی جدی در ساختار قدرت سیاسی-حاکمیتی، ۲) آمادگی اجتماعی، فرهنگی و روحی-روانی در مردم، ۳)

شکل‌گیری و گسترش مفهوم شهروندی، کنشگری فعالانه نهادهای مدنی و فعالان سیاسی و مدنی و نوع تعاملات آنان با شهروندان و حکومت (Giddens, 1986: 28-29).

دولت رانتي دولتي است که به طور منظم منابع مالي قابل توجهي از رانت‌هاي خارجي پرداخت شده توسط افراد، مؤسسات يا دولت‌هاي ديگر دريافت مي‌کند. دولت رانتي‌ر مالک منابع و ثروت است و وظيفه اصلي آن توزيع منافع بين اعضاي جامعه است. دولت رانتي‌ر ماليات وضع نمي‌کند و منافع عمومي و خصوصي چنان در هم تنيده شده که فساد ناشي از آن قابل قبول تلقي مي‌شود. دولت رانتي‌ر دولتي است که بخشي از درآمدهاي مالي خود را از منابع خارجي در قالب رانت اقتصادي به دست مي‌آورد و اين شامل درآمدهاي حاصل از فروش نفت و مشتقات آن در بازارهاي جهاني مي‌شود. چهار ويژگي اساسي دولت رانتي از اين قرار است: اقتصاد عمدتاً بر درآمد حاصل از رانت متکي است. منبع درآمد نوعي اجاره خارجي است. اقليتي از جمعيت در دولت رانتي‌ر در ايجاد رانت سهيم هستند در حالي که اکثريت صرفاً در مصرف و استثمار مشارکت دارند و دولت ذی‌نفع اصلي رانت خارجي يا درآمدهاي رانتي است. اين تمرکز رانت‌ها امکان تصرف و انحصار قدرت سياسي و در نتيجه ظهور نهادي را فراهم مي‌کند که تصميمات و سياست‌هاي آن مستقل از جامعه اتخاذ مي‌شود، به گونه‌اي که اقتدار مشروعيت خود را نه از جامعه، بلکه از رانت مي‌گيرد (Elbanna, 2023: 43).

رانتي‌ر بودن يک دولت به ايجاد معامله استبدادي (اقتدارگريانه)^۱ منجر مي‌شود که يکي از مکانيسم‌هايي است که رژيم‌هاي استبدادي از طريق آن زنده مي‌مانند. بر اساس شرايط معامله، حاکمان مزايای و خدمات اقتصادي را به شهروندان ارائه مي‌کنند که در ازاي آن، شهروندان حقوق سياسي خود را واگذار کرده و بنابر اين مشمول محدوديت‌هايي در مشارکت سياسي، دخالت در تصميم‌گيري و پاسخگويي و آزادي‌هاي سياسي و مدني مي‌شوند. بر اساس اين معامله، حاکمان از اصلاحات سياسي داخلي براي حفظ ثبات رژيم در شرايط سخت اقتصادي استفاده مي‌کنند و برخي از حقوق سياسي - با تأثير محدود و کنترل شده - را به شهروندان اعطا مي‌کنند تا تداوم رژيم را تضمين کرده و به عنوان جايگزيني براي فروپاشي معامله استبدادي ناشي از کمبود منابع باشند (Raj et al, 2009: 93-96).

الگوي پيش رو ارتباط بين مفاهيم «دولتي رانتي»، «معامله استبدادي» و «نظريه گذار دموکراتيک» با قرائتي که گيدنز از آن دارد را نشان مي‌دهد. بر اين اساس، دولت رانتي و معامله استبدادي به نوعي

ملازم یکدیگر هستند و قرارداد اجتماعی از نوع معامله اقتدارگرایانه در پی استقرار دولت رانتی متکی به درآمد نفتی میان دولت و مردم حاکم می‌شود. این وضعیت، با تغییر شرایط اقتصادی و عدم امکان ادامه اتکا به درآمد رانتی، ناگزیر دچار تحول می‌شود؛ اما برای اینکه مشخص شود آیا این تحولات می‌تواند منجر به گذار دموکراتیک و تغییر اساسی در قرارداد اجتماعی شود، باید شرایط این گذار فراهم شود.



دولت رانتی در عربستان

از اوایل دهه ۱۹۷۰، نفت بخش غالب اقتصاد عربستان سعودی بوده است. عواید نفتی تا جایی تحول‌آفرین بوده و سرعت تغییرات را در این کشور افزایش داده بود که ملک خالد، جانشین ملک فیصل، که در سال ۱۹۷۵ قدرت را به دست گرفت با شگفتی به تغییرات رخ داده نگرسته و خطاب به فرزنداناش گفته است: «می‌توانید به من بگویید چه خبر است؟» (لیسی، ۱۳۹۷: ۳۳). در نتیجه، توسعه و سیاست مالی دولت ارتباط تنگاتنگی با درآمدهای نفتی دارد و اقتصاد عربستان را به شدت نسبت به نوسانات در بازار جهانی حساس می‌کند، مانند سال ۲۰۱۴ که در مجموع قیمت هر بشکه نفت نزدیک به ۵۰ درصد کاهش یافت (Macrotrends.net, 2023).

عربستان سعودی با چالش‌های اقتصادی متعددی مواجه است که مهم‌ترین آن وابستگی اساسی به درآمدهای نفتی و آسیب‌پذیری اقتصاد محلی در برابر نوسانات در بازار جهانی نفت است. با افزایش هزینه‌های عمومی در زیرساخت‌ها و برنامه‌های توسعه، نیاز آشکار به تنوع بخشیدن به اقتصاد و جریان‌های درآمدی و دادن فرصت‌های بیشتر به بخش خصوصی وجود دارد که به نوبه خود چالش

مهم دیگری را نشان می‌دهد. دولت اغلب برای تعدیل هزینه‌های عمومی که به دلیل عوامل متعددی از جمله درگیری‌های مسلحانه و سیاسی در منطقه، قیمت بالای کالاها و خدمات وارداتی و رشد بالای جمعیت که باعث افزایش تقاضا می‌شود، به طور مداوم در حال افزایش است، با مشکل روبه‌رو می‌باشد. وضعیت مخمسه اقتصادی کشورهای رانتهی نفت پس از کاهش قیمت جهانی انرژی که در کسری تراز پرداخت‌ها و نرخ‌های رشد پایین منعکس می‌شود، به آسانی آشکار می‌شود. دولت‌های کشورهای رانتهی مجبور به اتخاذ دور دیگری از اقدامات هستند، از جمله افزایش تعرفه بر برخی کالاها و خدمات، لغو یارانه برخی از اقلام مصرفی مانند بنزین، افزایش هزینه‌ها و مالیات‌های بدهکار به دولت، و کاهش اشتغال دولتی. اگرچه دولت عربستان به سرعت چنین اقدامات کاهش‌دهنده‌ای را در پی سقوط قیمت نفت در اواخر سال ۲۰۱۴ به اجرا درآورد، اکثر اقتصاددانان انتظار نداشتند که این اقدامات یک بار برای همیشه بحران را حل کند و گمان می‌رود که احتمالاً چند سال دیگر به عربستان سعودی برای مقاومت در برابر نوسان قیمت نفت فرصت خواهد داد (Elbanna, 2023: 46).

چشم‌انداز ۲۰۳۰ و گذار از اقتصاد وابسته به نفت

با استحضار به این وضعیت شکننده اقتصادی، چشم‌انداز ۲۰۳۰ (رویه ۲۰۳۰ یا vision 2030) در سال ۲۰۱۶ و با نگاه توسعه‌گرای نسل جدید رهبران سعودی که بن‌سلمان در راس آنها قرار داشت، تصویب شد و به رویکرد کلان اقتصادی عربستان شکل داد. این سند همچنان مبنای سیاست‌گذاری‌های کلان دیپلماسی اقتصادی عربستان است. این سند در واقع یک طرح استراتژیک بلندپروازانه است که برای مدرن‌سازی و تنوع بخشیدن به اقتصاد عربستان، عمدتاً از طریق کاهش وابستگی به نفت، توسعه منابع درآمدی جایگزین و افزایش مشارکت بخش خصوصی در اقتصاد طراحی شده است. افزون بر این، بهبود کارآمدی نهاد دولت و تبدیل جامعه سعودی به جامعه مدرن و فراگیرتر از دیگر اهداف این چشم‌انداز است. این طرح کلان دارای سه رکن اصلی است:

۱- ارتقای جایگاه عربستان سعودی به‌عنوان «قلب جهان عرب و اسلام»

۲- تبدیل شدن به یک کانون جهانی جذب سرمایه و سرمایه‌گذاری

۳- تبدیل شدن به هابی که آسیا، اروپا و آفریقا را به هم متصل می‌کند.

هر چند سند اصلی معرفی این طرح، دارای سه بخش اجتماعی، اقتصادی و ملی تحت عناوین «جامعه پویا»، «اقتصاد پیشرو» و «ملت بلندپرواز» است، اما سهم اقتصاد بسیار بیشتر از سایر زمینه‌ها بوده و آشکار است که هدف سعودی‌ها از تدوین این برنامه، تنوع بخشیدن به اقتصاد و دوری از وابستگی به

نفت، و ایجاد اشتغال در بخش‌های گوناگون و خصوصی کشور با توجه به جمعیت بالا و روبه رشد جوانان در این کشور است (Saudi Vision 2030).

در بعد اجتماعی، افق ۲۰۳۰ دو وجه کلی را شامل می‌شود: زنانه کردن و جوان کردن نیروی کار، به‌ویژه در بخش خدمات مدنی. در واقع با وجود ناآرامی‌های اجتماعی در چند سال گذشته، جامعه سعودی انعطاف‌پذیری بالایی فوق‌العاده و ظرفیت بالایی برای سازگاری با روند جدید نشان داده است. در واقع این طور به نظر می‌رسد که حاکمان جدید سعودی در پی نئولیبرالیزه کردن کشور هستند، هر چند همچنان پای در اتوکراسی و سرکوب قبلی خود دارند (Security & Defence Magazine, 2021).

یکی از مؤلفه‌های مهم چشم‌انداز ۲۰۳۰، صندوق سرمایه‌گذاری عمومی^۱ این کشور است. این صندوق یکی از بزرگ‌ترین صندوق‌های ثروت ملی در جهان است که در سال ۱۹۷۱ با هدف سرمایه‌گذاری و تامین سرمایه پروژه‌های عربستان از طرف دولت سعودی ایجاد شد. این صندوق از زمان تاسیس تا سال ۲۰۱۴ عمدتاً یک نهاد منفعل بود که بیشتر از کشورهای نفتی همسایه عربستان تقلید می‌کرد. سال ۲۰۱۴ این نهاد تصمیم به تامین مالی شرکت‌هایی هم در عربستان و هم خارج از آن کرده و در سال‌های اخیر به‌عنوان محکم‌ترین راه‌حل برای مشکلات اساسی عربستان مانند کسری‌های مالی، نوسانات قیمت کالاها و بهبود بازارهای مالی در نظر گرفته شده است (Akgun, 2022: 85).

این صندوق همچنین یکی از کم‌شفافیت‌ترین صندوق‌های ثروت ملی در جهان به شمار می‌آید و به شدت تحت اختیار شخص ولیعهد است (Clark, 2016). مطالعات نشان می‌دهند که صندوق‌های ثروت ملی به طور کلی در خدمت منافع نخبگان حاکم هستند و این نخبگان دریافته‌اند که صندوق‌ها می‌توانند به‌عنوان ابزاری برای ایمن‌سازی ایشان و افزایش تسلط سیاسی داخلی در برابر تهدیدات داخلی و خارجی باشد. در عربستان نیز این صندوق ابزاری برای تمرکز قدرت در دست حاکمیت به شمار می‌آید.

مشارکت بخش خصوصی از دیگر مؤلفه‌های کلیدی و اهداف اقتصادی مصرح در سند ۲۰۳۰ است. طبق این چشم‌انداز، عربستان در پی کاهش هزینه‌های دولت است و در این راستا، قرار دادن سرمایه بخش خصوصی در مرکز اقتصاد این کشور از طریق فروش سهام شرکت‌های دولتی در قالب عرضه‌های اولیه می‌باشد. نکته مهم این است که این برنامه خصوصی‌سازی شامل صندوق سرمایه‌گذاری عمومی

نمی‌شود، در واقع دولت به سرمایه خصوصی به چشم یکی از منابع تامین مالی صندوق نگاه می‌کند. از همین منظر باید گفت تا زمانی که حاکمیت، بخش دولتی را منبع اصلی اشتغال و رشد اقتصادی بداند، اقتصاد بازار با عملکرد خوب برای پادشاهی فاصله زیادی دارد. در این اقتصاد، نقش بخش خصوصی همچنان محدود است زیرا موقعیت شرکت‌های دولتی، شرکت‌های خصوصی را به سمت برون سپاری یا قرارداد فرعی پروژه‌های دولتی سوق می‌دهد (Akgun, 2022: 88).

علاوه بر این مؤلفه‌ها، دولت سعودی در جهت متنوع‌سازی سبد درآمدی خود، توسعه توریسم و افزایش درآمد از این راه را از جمله اهداف سند ۲۰۳۰ قرار داده و در این راستا اقدامات بسیاری انجام داده است. برگزاری رویدادهای فرهنگی و تفریحی، دعوت از هنرمندان برجسته از تمامی کشورها (اعم از خوانندگان و بازیگران و فیلم‌سازان مطرح جهان)، خرید بازیکنان شناخته شده و محبوب فوتبال و اخیراً بسکتبال، میزبانی از جلسات، جشنواره‌ها و مسابقات مهم بین‌المللی (مانند کسب میزبانی نمایشگاه اکسپو ۲۰۳۰ و میزبانی جام جهانی فوتبال ۲۰۳۴) همگی در راستای معرفی این کشور به عنوان کشوری باز و مناسب جهت سفر و سیاحت بوده است.

در همین راستا، بر اساس آمار وزارت گردشگری سعودی، تعداد توریست وارد شده به کشور و درآمد حاصل از آن در سال ۲۰۱۵ به ترتیب حدود ۱۸ میلیون نفر و ۸۲.۵ میلیارد ریال سعودی (۲۲ میلیارد دلار) بوده است. همین آمار برای سال ۲۰۲۳ به ترتیب معادل ۲۷.۴ میلیون نفر و ۱۴۱.۲۳ میلیارد ریال (۳۷.۶ میلیارد دلار) بوده که به نظر می‌رسد بیش از هر چیز، متاثر از تبلیغات رسانه‌ای و ابتکارات فرهنگی و گردشگری چشم‌انداز ۲۰۳۰ بوده است (Ministry of Tourism, 2025).

چالش‌های ایجاد تحولات اقتصادی

همان‌طور که در ادبیات دولت رانتهی مورد بحث و بررسی قرار گرفت، ویژگی‌های رانتهی روابط دولت و جامعه سخت‌ترین جنبه‌های فرایند تحقق تحول در پادشاهی عربستان سعودی بوده است. با توجه به تلاش برای اصلاحات یا تنوع‌بخشی، منافع مختلفی در ساختار اقتصاد سیاسی عربستان در خطر است. علاوه بر این، مرکز قرارداد اجتماعی موجود در این کشور میان دولت و جامعه تامین کالاهای اساسی مانند آب و انرژی با قیمت‌های یارانه‌ای بالا و خدمات مراقبت‌های بهداشتی، مسکن و آموزش رایگان بوده است. همچنین، ذخیره نیروی کار به دلیل تعداد بالای مهاجران در کشور، قیمت یارانه‌ای انرژی و پروژه‌های عمومی پرسود، ساختار امتیازات را در روابط بین دولت و بخش خصوصی شکل داده است. علاوه بر این، روند تشکیل حکومت پادشاهی و مشروعیت به دست آمده از طریق هم‌پیمانی با وهابیت،

عامل تاثیرگذاری بر هر گونه تلاش اصلاحی در کشور بوده است. بنابراین، چالش‌های مهمی برای نخبگان حاکم در روند اجرای چشم‌انداز ۲۰۳۰ وجود دارند.

۱- چالش‌های سیاسی

یکی از مهم‌ترین چالش‌های سیاسی در مسیر اصلاحات در این کشور، اختلافات متعدد میان شاهزادگان در خاندان سلطنتی است. اخیرترین این اختلافات در به حکومت رسیدن ملک سلمان به‌عنوان یکی از شاهزادگان هفت سدیری بوده است. هفت سدیری به ۷ برادر متولد شده از ملک عبدالعزیز و حسا بنت احمد السدیری اطلاق می‌شود. ملک سلمان پس از منصوب شدن به‌عنوان پادشاه، انتصابات راهبردی انجام داد و پسران و برخی از متحدانش را به سمت‌های کلیدی در پادشاهی منصوب نمود. در ادامه نیز در سال ۲۰۱۷، بن‌سلمان با کودتایی آرام، ولیعهدی را از محمد بن‌نایف گرفته و قدرت را در این کشور قبضه کرد. هر چند این انتقال قدرت تا کنون موفقیت‌آمیز بوده، اما خانواده سلمان با مخالفان جدی در داخل خاندان سلطنتی مواجه هستند؛ تا جایی که مضاوی الرشید مهم‌ترین تهدید برای نخبگان حاکم را دسیسه‌های کاخ می‌داند تا تهدیدات منطقه‌ای یا جهانی (Al-Rasheed, 2022).

۲- عدم وجود ظرفیت سازمانی لازم

علاوه بر نوسانات سیاسی، عدم اطمینان سازمانی برای تجارت بین‌المللی جذابیتی ندارد. این امر هم متاثر از دوام مؤسسات است و هم کیفیت و پایایی نامشخص منابع آماری و داده‌ای ارائه شده توسط نهادهای دولتی. فقدان اطلاعات کافی و دقیق نیز بر مسیر خط مشی عمومی تأثیر منفی می‌گذارد زیرا تصمیم‌گیرندگان نمی‌توانند داده‌های اساسی و دقیق را به دست آورند (Akgun, 2022: 93). ارتقاء نهادهای بوروکراتیک در عربستان که نظامی کلاینتالیستی دارد، امری صعب و مشکل است، چرا که در این نظام حامی-پیرو، در طول دهه‌ها گروه‌های ذی‌نفع بسیاری درون وزارتخانه‌ها حضور داشته‌اند که مانع نوسازی و پیشرفت نهادی می‌شوند. در چنین مناسباتی، افراد و گروه‌ها با استفاده از عامل رانت و انحصارطلبی و بدون ورود به رقابت سالم و جدی، در پی کسب حداکثر قدرت و به حاشیه راندن دیگری هستند. این وضعیت در تضاد کامل با اصل اساسی توسعه سیاسی، یعنی رقابت سالم سیاسی است (پیروز و همکاران، ۱۳۹۹: ۳۰۴).

۳- فردمحوری چشم‌انداز ۲۰۳۰

هرچند تصمیم‌گیران در عربستان در نیمه اول هزاره جدید دست به اصلاحاتی در بخش بانکداری و سیستم مالی زدند، اما با گشایش‌های اقتصادی در سال ۲۰۰۳، مجدداً بهانه‌ای برای به تعویق انداختن اجرای برخی مؤلفه‌های اصلاحات اقتصادی مانند تعلیق مالیات‌های جدید ایجاد کرد. علاوه بر تسهیلات مالی ناشی از افزایش قیمت نفت، تصمیمات حاکمان برای اجرا و تداوم روند اصلاحات می‌تواند تحت تأثیر بحران قرار گیرد. به طور کلی ترس از دست دادن قدرت همواره بر تصمیمات اصلاح طلبانه رهبران سعودی سایه افکنده است. پادشاهی عربستان سعودی برای اینکه قدرت سیاسی خود را برای کنترل و توانایی خود در ایجاد ساز و کارهای رانت جدید و کنترل مکانیسم‌های موجود را از دست ندهد، به لحاظ سیاسی با باز بودن اقتصادی در عرصه بین‌المللی مخالفت کرده است. با این حال، سیاست افزایش مالیات بر ارزش افزوده به ۱۵٪ از ۵٪ در ژوئن ۲۰۲۰ در شرایط همه‌گیری کرونا، قاطعیت ولیعهد را برای دستیابی به اهداف اصلاحی و تحول مورد نظر وی نشان می‌دهد.

مسئله دیگری که برای این چشم‌انداز می‌تواند چالش برانگیز باشد، اتکای این پروژه بر شخص ولیعهد است. چنین ارتباط عمیقاً قدرتمندی میان چشم‌انداز ۲۰۳۰ و ولیعهد بسیار آسیب‌پذیر خواهد بود، زیرا پایداری و اجرای چشم‌انداز ۲۰۳۰ با پایداری ولیعهد در مقام همبستگی خواهد داشت (Kinninmont, 2017).

۴- نارضایتی مردمی

هدف چشم‌انداز ۲۰۳۰ برای کاهش هزینه‌های عمومی ممکن است نارضایتی و مخالفت مردمی را تحریک کند که در برخی موارد ممکن است دولت را مجبور به کشیدن ترمز برخی اصلاحات کند. هنگامی که دولت در سپتامبر ۲۰۱۶ یارانه‌ها را لغو و مالیات‌ها را وضع کرد، خشم عمومی دولت را مجبور کرد تا در ماه مه ۲۰۱۷ کمک هزینه به کارمندان دولتی و ارتش را بازگرداند.

۵- خصوصی‌سازی

نخبگان حاکم در پادشاهی سعودی همیشه خلاء بخش خصوصی در کنار خود را در طول فرایند اصلاحات حس کرده‌اند، عمدتاً به این دلیل که اصلاحات تهدیدی خطرناک برای منافع آنها در چندین زمینه است. اولین چالش مربوط به مقررات بازار کار است. مقررات بازار کار و سیاست‌های محدود کردن تعداد مهاجران به دلیل از دست دادن احتمالی نیروی کار ارزان برای بخش خصوصی در دسرهایی

ایجاد می‌کند. همچنین، تغییر سیستم کفاله به سمت یک سیستم مبتنی بر قرارداد نیز یک چالش واقعی برای قدرت و اثربخشی هزینه بازیگران بخش خصوصی است. در کوتاه‌مدت، مقررات جدید حقوق مهاجران تأثیر مخربی بر بهره‌وری شرکت‌های سعودی دارد، زیرا آنها را از سرمایه‌گذاری منصرف می‌کند (Ulrichsen, 2016).

بین اهداف و ابزارهای مورد استفاده برای دستیابی به اهداف چشم‌انداز ۲۰۳۰ اختلاف و تناقض وجود دارد. به عنوان مثال، ایجاد شغل و توسعه اقتصادی از طریق بنگاه‌های متوسط و کوچک و کارآفرینی نیازمند سیستم مالی و بانکی بسیار متنوع‌تری است. با این حال، وقتی به ادغام‌ها و بار مالی ابر پروژه‌هایی مانند نئوم و پروژه دریای سرخ نگاه می‌کنیم، می‌بینیم که تجربه متعارف سیستم بانکی عربستان در چنین شرایط ساختاری قابل تغییر نیست. برای دستیابی به اهداف توصیف شده توسط چشم‌انداز ۲۰۳۰، نیاز به یک بخش خصوصی پر جنب و جوش است که توسط یک سیستم بانکی رقابتی تأمین مالی شده و انگیزه کافی برای اعطای اعتبار از طریق معاملات خرده فروشی را دارد. بنابراین، در حالی که تغییر در سیاست بدهی دولت به سمت افزایش انتشار اوراق قرضه و استقراض بین‌المللی، پتانسیل بانک‌های تجاری عربستان را برای ذخیره اعتبار بیشتر به بخش خصوصی افزایش داده، اکنون تحت مدیریت ولیعهد، تمایل به پروژه‌های بزرگ باعث به حاشیه راندن بازیگران اقتصادی می‌شود، زیرا بانک‌ها همچنان تمایل دارند با شرکت‌های بزرگی مانند ساییک و آرامکو تجارت کنند. از همین رو، سرمایه‌گذاری‌های فعلی صندوق سرمایه‌گذاری عمومی را می‌توان دارای دوگانگی سیاسی متناقض دانست، زیرا به شکل پارادوکسیکالی، هم از توسعه بخش خصوصی و هم از پروژه‌های بلندپروازانه حمایت می‌کند (Schulkes, 2021).

۶- بازار کار

چالش اساسی رژیم سعودی در ایجاد اشتغال برای بومی‌های این کشور، تشویق شهروندان سعودی به جستجوی موقعیت‌های بخش خصوصی و مقابله با انتظارات ریشه‌داری است که برای چندین دهه در چارچوب مکانیسم‌های توزیع مجدد توسعه یافته است. جوانان سعودی از نظر دستمزد و شرایط کار در بخش خصوصی انتظارات غیر واقعی دارند، آنها عمدتاً بخش دولتی را ترجیح می‌دهند و سال‌ها بدون جستجوی کار منتظر شغل مناسب در بخش دولتی هستند. دولت عربستان سعودی از طریق طیفی از قوانین سهمیه‌بندی و با اختصاص مشاغل خاص به اتباع سعی کرده نسبت اشتغال شهروندان در بخش خصوصی را افزایش دهد. همچنین سیستم‌های بیمه بیکاری، یارانه‌های موقت دستمزد و

مکانیسم‌های آموزشی و کارایی برای شهروندان را اعلام کرده است. با این حال، شهروندانی که تازه وارد بازار کار عربستان سعودی شده‌اند، نسبت به افراد مسن‌تر در بخش دولتی، که امتیازات ثابتی دارند، در موقعیت بسیار نامطلوبی قرار دارند (Akgun, 2022: 101-102).

۷- مقاومت اجتماعی در برابر تغییرات

همان‌طور که قبلاً گفته شد، در حالی که جامعه نقش مهمی در تحمیل بار مالی برای بودجه دولتی عربستان و ایجاد فشار روی نخبگان حاکم برای ایجاد اشتغال و منافع اقتصادی آنها ایفا می‌کند، همچنین نقش مهمی در مطالبه تغییرات اجتماعی و اصلاحات نیز دارد. اگرچه نیروهای اجتماعی می‌توانند خواستار دگرگونی، تغییر و انطباق با شبکه‌های جهانی در حوزه‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی باشند، در عین حال ممکن است از حفظ شیوه‌های اجتماعی-فرهنگی و ساختارهای اقتصادی سیاسی در پادشاهی سعودی نیز حمایت کنند.

با توجه به تلاش برای تنوع‌بخشی و جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، فضای فوق محافظه‌کارانه عربستان نگرانی‌هایی را برای سرمایه‌گذاران خارجی ایجاد می‌کند. بنابراین، یکی از بزرگ‌ترین چالش‌های عربستان سعودی، نرم کردن هنجارهای اجتماعی فوق محافظه‌کارانه بدون ایجاد احساس بیگانگی در شهروندان محافظه‌کار (طیف سنتی پیرو وهابیت) است (Schneider F., 2021). حفظ تعادل در این مسئله مهم و البته سخت است، چرا که جهانی شدن اغلب به‌عنوان تهدیدی برای ارزش‌های اسلامی تلقی می‌شود. بنابراین، هرگونه تلاش برای پذیرش ارزش‌ها و سبک زندگی غیر اسلامی (عمدتاً غربی) در پادشاهی ممکن است با بسیج فزاینده نیروهای محافظه‌کار علیه متصدیان این تحول مواجه شود.

مسئله مقاومت در برابر تغییرات و پاسخ افراطی جامعه به تغییرات لیبرال مآبانه بن‌سلمان مسئله‌ای است که نمی‌توان به سادگی از کنار آن گذشت. در حالی که طبقه متوسط جدید و بخش قابل توجهی از جوانان، رویکردهای فرهنگی جدید را تایید کرده و با آنها همراهی می‌کنند، بخش قابل توجهی از جامعه -که البته تعداد و میزان مخالفت آنها را با توجه به فضای بسته عربستان نمی‌توان متوجه شد- از این تحولات به شدت انتقاد کرده‌اند. جالب توجه این است که عمده مخالفین به‌ویژه رهبران اپوزیسیون همواره از خارج از عربستان اقدام به انتقاد می‌کنند، چرا که کوچک‌ترین ندای مخالفی منجر به دستگیری معترض می‌شود. در ماه‌های اخیر دستگیری چندین نفر صرفاً به اتهام انتقاد در فضای مجازی سر و صدای بسیاری در میان فعالین حقوق بشر جهان ایجاد کرده است. از جمله این افراد، محمد الغامدی

است که به دلیل انتشار چند توییت بازداشت و حتی به اعدام محکوم شده است (سیاق، ۱۴۰۲). بسیاری از علما که بر خلاف ادوار گذشته نه فقط از شیعیان، بلکه از میان مفتی‌های وهابی هستند نیز دستگیر و روانه زندان شده‌اند.

۸- فقدان پاسخگویی و شفافیت

اگرچه پادشاهی اصلاحات اقتصادی را آغاز کرده، اما هیچ مکانیسم واقعی مؤثری برای نظارت بر عملکرد دولت ایجاد نکرده است، همین موضوع می‌تواند به فساد دامن بزند و اصلاحات اقتصادی را تضعیف کند.

آنچه می‌توان از مجموع این عوامل برداشت کرد این است که هنوز نتوانسته زمینه را برای گذار دموکراتیک و تحولات حقیقی در بستر جامعه ایجاد کند. در تایید این موضوع باید به این نشانه‌ها توجه داشت:

اصلاحات اقتصادی و دموکراسی

برنامه‌های توسعه‌ای عربستان از دهه ۸۰ و ۹۰ میلادی وجود داشته‌اند و از دهه‌های پیش مقامات این کشور در فکر کاهش وابستگی به درآمدهای نفتی و کاهش نرخ بیکاری بوده‌اند. اما در تحقق این اهداف به موفقیت چندانی نرسیده بودند؛ برای مثال در سال ۲۰۰۹ نرخ بیکاری ۱۰.۵٪ بود، در صورتی که بر اساس برنامه توسعه این عدد باید به ۸.۲٪ می‌رسید. در تکمیل پروژه‌های دولتی نیز مشکلاتی از قبیل تاخیر در تکمیل آنها و همچنین صرف هزینه‌ای بیش از بودجه اختصاص داده شده در بیش از ۸۰٪ پروژه‌ها وجود داشته است (هاوس، ۱۳۹۴: ۱۳۰-۱۳۵).

عربستان از دهه ۲۰۰۰ شروع به دیدن تأثیر عملی اصلاحات کرده بود. تا جایی که برخی این روند را چشم‌اندازی دگرگون‌کننده تحت نظارت ولیعهد عبدالله و برنامه‌ریزی اقتصادی او را از برخی جهات شبیه به تجربیات کشورهای توسعه یافته شرق و جنوب شرق آسیا می‌دانند. در این دوره، ویژگی‌های سرمایه‌داری تحت حمایت دولت ملایم شده و ابعاد سرمایه‌داری کمک‌های دولتی بیشتر مورد تأکید قرار گرفته است. قابل توجه است که علی‌رغم افزایش قیمت نفت از سال ۲۰۰۳، اصلاحات ادامه یافت. بنابراین، عربستان از همان اوایل قرن ۲۱ به‌عنوان یک کشور توسعه‌ای در ابعاد گوناگون در حال ظهور بوده است. اما با این که کشور در موقعیت مناسبی برای به دست آوردن سهم قابل توجهی در اقتصاد صنعتی جهانی از طریق فعالیت‌های بخش‌های پتروشیمی و مالی خود قرار داشته، در دسترس بودن

درآمد نفتی مانعی جدی بر سر ثبات دائمی این روند نوسازی اقتصادی بوده است (Niblock & Malik, 2007: 178-179).

با روی کار آمدن نسل جدید نخبگان سیاسی سلطنتی در عربستان، ماهیت سند توسعه‌ای تغییر اساسی کرد. نسل جدید و به‌ویژه شخص بن‌سلمان، در پی ایجاد مشروعیت کاریزماتیک برای خود به جای مشروعیت سنتی حاصل از انتسابات سلطنتی و تایید مفتی‌های وهابی و همچنین رفع بحران مشروعیت ناشی از جهانی شدن و افزایش مطالبات دموکراتیک برآمد. از سویی تغییرات ارزشی، گسست‌های مذهبی، تغییرات جمعیتی، و تلاش برای دستیابی به سطح توسعه کشورهای غربی و دنبال کردن الگوی متفاوتی در سبک زندگی نسبت به الگوی سنتی، زمینه را برای طراحی و اجرای برنامه‌های توسعه‌ای بلندمدت فراهم کرد (اختیاری امیری و دهرویه، ۱۴۰۰: ۱۲۳).

عده‌ای از پژوهشگران معتقد هستند میان دموکراسی و عملکرد اقتصادی و بازار قدرتمند رابطه مستقیمی برقرار است؛ به طوری که آزادی سیاسی را برای توسعه اقتصادی پایدار ضروری می‌داند. این اندیشه که آدام اسمیت و سیمور لیپست از جمله پیروان آن به شمار می‌آیند، معتقد است برای تحقق دموکراسی، مجموعه‌ای از شرایط اقتصادی و اجتماعی از جمله رشد اقتصادی بالا، درآمد ناخالص ملی بالا، توسعه طبقه متوسط و افزایش سطح سواد در جامعه لازم است (Elbanna, 2023: 48). این در حالی است که در کشورهای خلیج فارس با وجود درآمدهای نفتی بالا و گسترش طبقه متوسط جدید در سال‌های اخیر (آقایی، ۱۳۹۴: ۳۰۵) و همچنین افزایش قابل توجه باسوادی در جامعه سعودی (indexmundi.com, 2020) تحولی به سمت ایجاد دموکراسی رخ نداده است.

نظام‌های سیاسی دولت‌های رانتیر دارای شکلی از اقتدارگرایی هستند که از شیوه‌های سیاسی خاصی برای تضمین تداوم رژیم استفاده می‌کنند. این رفتار مجموعه‌ای از پدیده‌های منفی مرتبط با رانت‌ها را به وجود آورده، مانند فساد و پوپولیسم که به مرور زمان به ابزاری برای تداوم اقتدارگرایی تبدیل شده‌اند. در تلاش برای توضیح رابطه علی بین ثروت نفت و استبداد، مایکل راس سه مکانیسم را بررسی می‌کند که در رژیم‌های رانتی، اقتدارگرایی را تقویت و دموکراسی را خنثی می‌کنند. اولین مورد، «اثر رانتیر» است که ممکن است به سه صورت نمایان شود: اثر مالیاتی (کشورهای نفتی مالیات‌های سنگینی را بر شهروندان تحمیل نمی‌کنند که این دولت‌ها را از پاسخگویی معاف می‌کند)، اثر مخارج (درآمد بالا به دولت این امکان را می‌دهد که هزینه‌ها را برای کاهش فشار اجتماعی افزایش دهد)، و اثر تشکیل گروه (دولت رانتیر از درآمدهای نفتی برای جلوگیری از ظهور سازمان‌های جامعه مدنی

مستقل و مؤثر استفاده می‌کند). مکانیسم علی دوم همان چیزی است که او آن را «اثر سرکوب» می‌نامد، به این معنی که دولت رانتیر از رانت‌ها برای افزایش هزینه‌های امنیتی و دستگاه‌های سرکوبگر استفاده می‌کند. سوم، «اثر مدرنیزاسیون» است، به این معنی که درآمد نفتی، دولت‌ها را برای ایجاد توسعه و تغییر لازم برای دموکراسی تشویق نمی‌کند (Ross, 2001: 332-337).

حکومت سعودی پس از ولیعهدی محمد بن سلمان و قدرت‌گیری وی، به سرعت تغییر از نظامی پادشاهی با حکومتی رانتیر کلاسیک غیر دموکراتیک، به نظامی نئوپاترمونیال و رانتیر مدرن شبه دموکراتیک را آغاز نمود؛ به این معنا که حکام سعودی دریافتند با اقتصاد رانتیر و متکی به نفت که در مقابل تحول بازار جهانی بسیار آسیب‌پذیر است و همچنین مخالفت آشکار با مظاهر دموکراسی آن هم پس از ناآرامی‌های عربی ۲۰۱۱، دیگر نمی‌توان حکومت پادشاهی را به روش پیشین ادامه داد. به همین دلیل نخبگان جدید حکومت سعودی در پی این برآمدند تا با اعمال تغییرات شبه دموکراتیک، اتکای خود به طبقه سنتی وهابی را کاهش دهند (مشتاقی، ۱۳۹۶: ۶-۱۰).

از آنجا که معامله اقتدارگرایانه مستلزم واگذاری حقوق سیاسی شهروندان در ازای منافع اقتصادی است، در صورت عملکرد ضعیف اقتصادی و زوال منابع اقتصادی متعلق به قدرت، حکومت حاکم آسیب‌پذیر است. این ضعف، توانایی رژیم‌های استبدادی را برای تأمین منافع و رفاه و تأمین وفاداری نخبگان مختلف سیاسی، اقتصادی و نظامی از بین می‌برد. با کاهش قدرت چانه‌زنی حاکمان خودکامه، اپوزیسیون قوی‌تر و نخبگان مستعد جناح‌بندی می‌شوند. بنابراین، یک بحران اقتصادی با خود بحران‌های سیاسی را به همراه دارد که ممکن است توانایی دولت را برای جلب حمایت عمومی تضعیف کند، چرا که این حمایت بر اساس تأمین منافع و مزایای اقتصادی، دامن زدن به جو بی‌ثباتی و عدم اطمینان (برای امنیتی‌سازی فضا و استفاده از سرکوب)، و از دست دادن مشروعیت سیاسی استوار است. برای مقابله با این وضعیت، رژیم‌ها ممکن است برخی از حقوق را اعطا کنند، اصلاحات سیاسی را به اجرا بگذارند، و به آزادسازی سیاسی محدود بپردازند، برای مثال: اجازه دادن به انتخابات، دادن حقوق بیشتر به اقلیت‌ها و مخالفان، یا وضع قوانینی که از حقوق بشر حمایت و آزادی بیان را فراهم می‌کند (Raj et al, 2009: 96).

همان‌طور که پیش‌تر گفته شد، برای تحقق‌گذار دموکراتیک از منظر گیدنز، باید نه تنها اراده سیاسی حاکم بلکه آمادگی جامعه برای پذیرش وضعیت دموکراتیک و افزایش کنش اجتماعی و سیاسی وجود داشته باشد. آنچه که از وضعیت ساختار سیاسی و روش حکمرانی رهبران جدید سعودی برمی‌آید،

هیچ تحولی در راستای باز شدن فضای سیاسی و کنش بیشتر شهروندان ایجاد نشده است. بر اساس جدول پیش رو، شاخص دموکراسی در عربستان در سال ۲۰۲۳، حدود ۲ بوده و رتبه ۱۵۰ در جهان را داشته است.

کشور	رتبه دموکراسی در جهان	فرایند انتخابات و پلورالیسم	عملکرد دولت	مشارکت سیاسی	فرهنگ سیاسی	آزادی‌های مدنی	مجموع نمره
عربستان	۱۵۰	۰.۰۰	۳.۵۷	۲.۲۲	۳.۱۳	۱.۴۷	۲.۰۸

(Democracy index, 2023)

علاوه بر این، شاخص آزادی‌های سیاسی-مدنی (۰ کمترین و ۱ بیشترین) در این کشور در طول سال‌های ۲۰۲۳-۲۰۰۰ در بازه ۰.۰۶ و ۰.۰۷ بوده و هیچ افزایشی نشان نداده است. این در حالی است که شاخص میانگین جهانی حدوداً ده برابر عربستان (۰.۷) بوده است. این شاخص نشان می‌دهد مردم یک کشور تا چه حد از آزادی بیان و افکار برخوردارند (ourworldindata.org, 2023).

این شاخص‌ها علاوه بر اینکه نشان‌دهنده عدم اراده حکومت به ایجاد تغییر است، حاکی از مهیا نبودن شرایط اجتماعی جهت مطالبه آزادی‌های سیاسی از سوی شهروندان نیز می‌باشد. نکته مهم دیگر برای آمادگی جامعه، وجود هویت مفهوم شهروندی و ارزش‌های مشترک در جامعه است. این در حالی است که هویت ملی سعودی که از دوران ملک عبدالله به طور مشخص آغاز به ترویج آن شد و روح اصلی چشم‌انداز ۲۰۳۰ بن‌سلمان نیز متکی بر آن است، نتوانسته به گفتمان واحد مردم عربستان بدل شود و مخالفان گوناگونی از لیبرال تا وهابی و اسلام‌گرا در برابر خود دارد. علاوه بر این، در شرایطی که گفتمان وهابیت نیز در طول سال‌ها تضعیف شده، ناسیونالیسم بالا به پایین بن‌سلمان نیز به دلیل عدم موفقیت نسبی در پیشبرد اهداف برنامه ۲۰۳۰ نتوانسته جایگزین آن شود (Alhussein, 2019).

به طور کلی، مقوله هویت در عربستان مسئله‌ای چالش‌برانگیز بوده، چرا که از سویی پژوهشگران معتقد هستند در عربستان هنوز مفهوم ملت شکل نگرفته، از سوی دیگر گروه‌هایی از مردم نسبت به پذیرش هویت خود به عنوان «سعودی» که نام یک خاندان و یک قبیله در این سرزمین است، احساس تعلق و رضایت ندارند (Thompson, 2019: 4). در همین راستا، در گزارش کارگاهی که توسط موسسه دولت‌های خلیج [به اصطلاح] عربی در واشینگتن^۱ و با حضور پژوهشگران و صاحب‌نظران برگزار شد، آمده است که وضعیت هویت ملی در عربستان در حالت گذار و تعلیقی قرار دارد که دستمایه

تحولات گوناگون می‌شود و به نقطه تثبیت و نهادینه‌شدگی در جامعه نرسیده است (AGSIW, 2016: 5). بنابراین، این چالش همگرایی هویتی در این کشور از موانع گذار دموکراتیک به شمار می‌آید.

ساختارهای سیاسی حکومت همچنین در طول سال‌های قدرت‌یابی بن‌سلمان به سمت ایجاد ساز و کارهای مشارکت مردمی نرفته و تنها پدیده دموکراتیک این کشور یعنی انتخابات شوراها نیز که برای اولین بار در سال ۲۰۰۵ و آخرین بار نیز سال ۲۰۱۵ برگزار شد، تنها نیمی از اعضا را بر اساس رای مردم انتخاب کرده و در دوران ولیعهد جدید نیز انتخاباتی برگزار نشده است.

از سوی دیگر باید به اهداف حقیقی بن سلمان برای ایجاد تحولات توجه داشت. پس از اینکه او در سال ۲۰۱۷ به‌عنوان ولیعهد معرفی شد، به سرعت، علیه بسیاری از نخبگان سلطنتی، سیاسی و اقتصادی کشور که وفاداری خود را به ملک عبدالله فقید مدیون بودند، حرکت کرد و اقداماتی را برای مهار آنها انجام داد و در عین حال دست سرمایه‌گذاران خارجی و جوانانی که هنوز در سپهر سیاسی کشور جای نگرفته و تثبیت نشده بودند را در امور بازتر کرد. با انجام این کار، او به دنبال بازسازی نخبگان و تضعیف دخالت آن بخش از خانواده سلطنتی بود که مخالف وی بودند تا قدرت و کنترل خود و حامیان بر ثروت نفت افزایش یابد (Kinninmont, 2018).

نتیجه

این پژوهش در پی پاسخ دادن به این سوال بوده که اصلاحات اقتصادی عربستان در قالب چشم‌انداز ۲۰۳۰ چه تاثیری بر آزادی‌های سیاسی در این کشور می‌گذارد. در پاسخ به این پرسش از مفاهیم دولت رانته و معامله استبدادی و همچنین نظریه گذار دموکراتیک بهره برده شد تا ضمن بررسی وضعیت اقتصادی این کشور، شرایط لازم برای گذار از معامله اقتدارگرایانه به وضعیت دموکراتیک تبیین شود.

بر اساس مؤلفه‌ها و شرایط لازم جهت تحقق گذار دموکراتیک که در مدل مفهومی به آنها اشاره شد، بررسی وضعیت جامعه سعودی در سال‌های اجرای چشم‌انداز ۲۰۳۰ نشان می‌دهد با وجود وعده‌های مطروح در این سند مانند ایجاد شفافیت، مسئولیت‌پذیری، مشارکت شهروندان و فعال کردن بخش خصوصی - که پتانسیل ایجاد تغییر در قرارداد اجتماعی اقتدارگرایانه و نوع رابطه میان شهروندان و دولت را دارد - هیچ گونه اصلاح حقوق شهروندی و افزایش آزادی عقیده و بیان در این جامعه رخ نداده است. افزایش تعداد معارضین سعودی - اعم از اسلام‌گرا و لیبرال - ادامه و افزایش روند سرکوب ندهای معترض و ادامه اجرای احکام اعدام تعزیری همگی دلایلی بر اثبات عدم تغییر وضعیت آزادی سیاسی در این کشور هستند.

همچنین اشاره شد که تغییر معامله استبدادی به معنای خدمات دولت به شهروندان در ازای دریافت وفاداری و اطاعت محض از آنان، در دستور کار سیاست‌گذاران سعودی قرار نداشته و هر چند وضع مالیات و کاهش خدمات یارانه‌ای دولت در طول سال‌های اخیر کاهش یافته، اما مسیر جایگزینی مانند افزایش مشارکت سیاسی و فعالیت‌های مدنی ایجاد نشده است. علاوه بر این، افزایش تمرکز قدرت در دست ولیعهد و حامیان وی و قلع و قمع مخالفین سلطنتی نشان می‌دهد برنامه اصلاحات پر سر و صدای چشم‌انداز ۲۰۳۰ به دنبال تثبیت جایگاه نوپای بن‌سلمان در ساختار قدرت خاندان سعودی بوده است.

در بُعد داخلی نیز آمادگی مورد نظر جهت تحولات سیاسی ساختاری وجود ندارد. از طرفی میان منتقدین سعودی، چند دستگی و تشتت بسیاری وجود دارد، از طرف دیگر ارزش‌های مشترک ملی یا مذهبی به طور فراگیر در جامعه مورد پذیرش نیست. هر چند عصر نوین اطلاعات و گسترش ارتباطات ندهای آزادی‌طلبانه را در این جامعه افزایش داده، اما فرهنگ محافظه‌کار هنوز از این جامعه رخت برنسته و زمینه برای گذار مد نظر فراهم نشده است.

با وجود این تفاسیر، اصلاحات اقتصادی در عربستان بدون تغییرات ساختاری در وضعیت مشارکت شهروندان و تعریف نوع جدیدی از قرارداد اجتماعی میان دولت و ملت، نمی‌تواند به صورت بنیادین و زیرساختی تحقق یابد؛ به طوری که دور از انتظار نیست که حکمرانی سعودی را با چالش‌های خارجی مانند کاهش سرمایه‌گذاری - که اکنون نیز تا حدی با آن روبه‌رو است - و افزایش نارضایتی‌های داخلی مواجه سازد.

فهرست منابع

منابع فارسی

- ۱- آقایی، سید داود (۱۳۹۴). سیاست و حکومت در عربستان سعودی. تهران: بنیاد حقوقی میزان.
- ۲- اختیاری امیری، رضا، و دهرویه، عباس (۱۳۹۷). تبیین توسعه نامتقارن سیاسی-اقتصادی عربستان در سند چشم‌انداز ۲۰۳۰. فصلنامه روابط خارجی، ۱۰(۳۸)، ۲۲۹-۲۵۸.

dor:20.1001.1.20085419.1397.10.2.8.8

- ۳- اختیاری امیری، رضا، و دهرویه، عباس (۱۴۰۰). چالش‌های داخلی عربستان در پیشبرد سند چشم‌انداز ۲۰۳۰ در چارچوب نظریه دولت توسعه‌ای. فصلنامه روابط خارجی، ۱۳(۱)، ۱۱۳-۱۴۶.

dor:20.1001.1.20085419.1400.13.1.4.3

۴- الیوت هاوس، کارن(۱۳۹۴). درباره عربستان سعودی: مردم، گذشته، دین، خطوط گسست و آینده. ترجمه مرتضی رجایی خراسانی و فاطمه مهسا کاراموزیان. تهران: رجایی خراسانی.

۵- برزگر، ابراهیم؛ خرمشاد، محمدباقر؛ رهبر، عباسعلی، و عالیشاهی، عبدالرضا(۱۳۹۹). چالش‌های توسعه سیاسی در عربستان سعودی در دوران بن سلمان با تاکید بر مدل برنارد کریک. *فصلنامه مطالعات بین‌المللی*، ۱۷(۴)، ۶۷-۸۶.

doi:10.22034/isj.2021.270705.1365

۶- پیروز، مجید؛ حسینی بهشتی، سید علیرضا؛ غفاری، مسعود، و مومنی، فرشاد(۱۳۹۹). موانع نهادینگی احزاب سیاسی در نظام‌های شبه دموکراتیک. *دوفصلنامه پژوهش سیاست نظری*، ۲۹۵-۳۲۵. جدید(۳۲).

۷- خوبی‌نژاد، محمدباقر؛ جریده، جواد، و افتخاری، کریم(۱۴۰۱). ارزیابی آینده ثبات سیاسی عربستان از منظر شاخص‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی حکمرانی خوب. *فصلنامه مطالعات سیاسی بین‌الملل*، ۲(۳)، پیاپی ۴، ۳۷-۵۵.

۸- دیپلماسی اقتصادی عربستان(۱۴۰۱). مدیریت اقتصاد کلان و آینده‌پژوهی. تهران: مرکز پژوهش‌های اتاق ایران.

۹- سردارنیا، خلیل‌الله، و انصاری، علیرضا(۱۳۹۵). تحلیل گذار دموکراتیک در کویت از دهه ۱۹۹۰ به این سو. *پژوهشنامه ایرانی سیاست بین‌الملل*، ۵(۱)، ۵۶-۷۹.

doi:10.22067/jipr. v5i1.58023

۱۰- قنبرلو، عبدالله(۱۳۹۶). تحولات اقتصادی و ثبات سیاسی در عربستان سعودی. *فصلنامه مطالعات راهبردی*، ۲۰(۷۵)، ۳۳-۵۶.

dor:20.1001.1.17350727.1396.20.75.2.4

۱۱- لیس، رابرت(۱۳۹۷). عربستان از درون. ترجمه محمدعلی عسگری. تهران: کویر.

۱۲- مسعودنیا، حسین، و شیخ‌محمودی، پیمان(۱۴۰۲). اقتصاد سیاسی نفت و اثرات اقتصادی و سیاسی آن بر عربستان سعودی. *مطالعات سیاسی بین‌النهرین*، ۲(۲)، ۲۱۱-۲۴۷.

doi:10.22126/mps.2023.9340.1020

۱۳- مشتاقی، الله کرم(۱۳۹۶). جامعه‌شناسی عربستان و چشم‌انداز اجتماعی آن. *نشریه مطالعات راهبردی جهان اسلام*، ۱۸(۳)، ۱۰-۶.

منابع غیرفارسی

- 1- Alhussein, E. (2019). Saudi First: How Hyper-Nationalism Is Transforming Saudi Arabia, Policy Brief, European Council on Foreign Relations
- 2- Arab Gulf States Institute in Washington (AGSIW). (2016). Gulf Societies in Transition:
- 3- National Identity and National Projects in the Arab Gulf States, Workshop Report, https://agsiw.org/wp-content/uploads/2016/06/National-Identity_Web-1.pdf
- 4- Al-Rasheed, M. (2022). Saudi Arabia: Royal Dissent Could Keep MBS from the Throne, Middle East Eye. Retrieved December 22, 2023, <https://www.middleeasteye.net/opinion/saudi-arabia-royal-dissent-could-keep-mbs-throne>
- 5- Akgun, O. (2022). Political Economy of Transformation in Saudi Arabia. The Graduate School of Social Science of Middle East Technical University: [M.A. Thesis].

- 6- Argaam. (2023). Saudi Arabia budgets 2024 revenues at SAR 1.17T, expenditure at SAR 1.25T, Retrieved December 22, 2023, <https://www.argaam.com/en/article/articledetail/id/1689806>
- 7- Bloomberg. (2023). Saudi Arabia Says for First Time Some 2030 Projects Delayed, Retrieved December 23, 2023, <https://www.bloomberg.com/news/articles/2023-12-07/saudi-arabia-says-for-first-time-some-2030-projects-get-delayed>
- 8- Clark, S. (2016). Saudi Wealth Fund May Be World's Least Transparent, Wall Street Journal, Retrieved December 22, 2023, <https://www.wsj.com/articles/saudi-wealth-fund-may-be-worlds-least-transparent-1477997912>
- 9- Democracy Index 2023 report (2023), Economic Intelligence Unit, Retrieved October 15, 2024, <https://www.eiu.com/n/campaigns/democracy-index-2023/>
- 10- Elbanna, A. (2023). Examining the Relationship between Economic Reform and Political Freedom: Vision 2030 and Democratic Transition in Saudi Arabia. *Rowaq Arabi*, 28(1), 41-57. <https://doi.org/10.53833/PRWN8295>
- 11- Energy Information Administration. (2022). What countries are the top producers and consumers of oil?, <https://www.eia.gov/tools/faqs/faq.php?id=709&t=6>
- 12- Giddens, A. (1986). *The Constitution of Society*. California: University of California Press.
- 13- Hoffman, J. (2023). The Arab Gulf's New Nationalism, *Foreign policy*. Retrieved from: https://foreignpolicy.com/2023/08/07/saudi-arabia-uae-emirates-nationalism-mbs-mbz/?tpcc=recirc_latest062921
- 14- Indexmundi (2020), Saudi Arabia- Literacy rate, available at; <https://www.indexmundi.com/facts/saudi-arabia/literacy-rate>
- 15- Kinninmont, J. (2017, July). Vision 2030 and Saudi Arabia's Social Contract: Austerity and Transformation, Chathamhouse. Retrieved from: <https://www.chathamhouse.org/sites/default/files/publications/research/2017-07-20-vision-2030-saudi-kinninmont.pdf>
- 16- Kinninmont, J. (2018). Political Change in Saudi Arabia, European Institute of the Mediterranean. Retrieved from: www.iemed.org/publication/political-change-in-saudi-arabia/
- 17- Macrotrends.net. (2023). WTI Crude Oil Prices - 10 Year Daily Chart Retrieved 12 20, 2023, <https://www.macrotrends.net/2516/wti-crude-oil-prices-10-year-daily-chart>
- 18- Michael Ross (2001). Does Oil Hinder Democracy?, *World Politics*, 53 (3), pp. 325-361
- 19- Ministry of Tourism. (2025). Retrieved from <https://mt.gov.sa/tic/dashboard/outbound-tourism>
- 20- Niblock, T., & Malik, M. (2007). *The Political Economy of Saudi Arabia*. New York: Routledge.
- 21- Our World in Data (2023), Political civil liberties index, 2000 to 2023, https://ourworldindata.org/grapher/political-civil-liberties-index?tab=chart&time=2000..latest&country=OWID_WRL~SAU
- 22- Raj, D., Olofsgard, A., & yousef, T. (2009). The Logic of Authoritarian Bargains. *Brookings Global Economics and Development*, 21(1), 93-125. <https://doi.org/10.1111/j.1468-0343.2008.00337.x>
- 23- Reuters. (2022). Saudi King Abdullah was a cautious reformer, <https://www.reuters.com/article/saudi-succession-abdullah-obituary-idUKL1N0V13D320150123>
- 24- Schneider, F. (2021). from *The Stalling Visions of the Gulf: The Case of SA's Vision 2030*, Washington Institute. Retrieved December 23, 2023,;

- <https://www.washingtoninstitute.org/policy-analysis/stalling-visions-gulf-case-saudi-arabias-vision-2030>
- 25- Schulkes, P. (2021). Mega-projects and Small Enterprises: Understanding Saudi Arabian Banks' Role in Economic Development, Middle East Institute. Retrieved December 23, 2023, <https://mei.edu/publications/mega-projects-and-small-enterprises-understanding-saudi-arabian-banks-role-economic>
 - 26- Security and Defense Magazine (2021). Saudi Arabia: a Modernization by Forced March, Retrieved from: <https://sd-magazine.com/?p=11860>
 - 27- Thompson, Mark C. (2019). The Impact of Globalization on Saudi Male Millennials' Identity Narratives, Asian Affairs, pp. 1-21, <https://www.tandfonline.com/action/showCitFormats?doi=10.1080/03068374.2019.1636512>
 - 28- Ulrichsen, K. C. (2016, June 1). The Politics of Economic Reform in Arab Gulf States, Baker Institute for Public Policy, <https://www.bakerinstitute.org/research/economic-reform-arab-gulf>
 - 29- Winarni, L. and Permana, A. P (2022). Saudi Vision 2030 and the Challenge of Competitive Identity Transformation in Saudi Arabia, journal of Islamic World and Politics, 6(1)
 - 30- World Bank. (2020). Retrieved from Saudi Arabia data: <https://data.worldbank.org/>

منابع اینترنتی

- ۱- سیاق (۱۴۰۲). بازایی در دی ۱۴۰۲، از آل سعود محمد الغامدی را به دلیل انتقاد از دولت در شبکه‌های اجتماعی به اعدام محکوم کرد:

<https://syaq.com/26724/%D9%85%D8%AD%D9%85%D8%AF-%D8%A7%D9%84%D8%BA%D8%A7%D9%85%D8%AF%DB%8C/>